

خاتم المحدثین

حاج شیخ عباس

محدث قمی

زندگی نامه

مینا احمدیان
عضو انجمن آثار و مفاخر فرهنگ

مقدمه

سخن از عالمی و الامقام، محدثی عالی قدر و دانشمندی خبیر و آگاه، مورخی فاضل، مؤلف و مصنفی نام آشنا، خطیب و واعظی وارسته و پاسدار حریم اهل بیت و معصومین(ع) در اواخر قرن سیزدهم و اواسط قرن چهاردهم ه. ق، خاتم المحدثین و ثقة المحدثین حاج شیخ عباس محدث قمی است، که نسب به دانشمند بزرگ شیعی ابن بابویه قمی (د. ۳۲۹ ه. ق) می رساند. عالمی که سالیان سال عمر گرانقدر خویش را صرف تحقیق و تتبع در حوزه احادیث معصومین(ع) نمود تا با جدا کردن سره از ناسره چراغ هدایت را فرا راه انسانها، همواره روشن نگه دارد.

ولادت و خانواده

حاج شیخ عباس محدث قمی در یکی از خانواده های اصیل و متدین قم، در حدود سال ۱۲۹۴ ه. ق در محله کوچه حرم به دنیا آمد. پدرش کربلایی محمدرضا مرد کاسب صالحی بود و در میان مردم به خوبی و نیکنامی شهرت داشت. او با اینکه خود کاسب بود و درگیر درس و بحث نبود، اهتمام زیادی به درس خواندن فرزندش، آقا شیخ عباس، داشت. او آرزویش این بود که روزی فرزندش از مروجین و مبلغین دینی شود و منبری مفید برای مردم داشته باشد. او در ماه شوال سال ۱۳۴۷ در قم درگذشت و در صحن حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد.

مادر حاج شیخ، بانو زینت، نیز از زنان صالحه بود و یکی از امتیازات ایشان، مقید بودن به نماز اول وقت بود. ایشان سه سال قبل از همسرش در ماه شوال ۱۳۴۴ درگذشت و در گلزار شیخان به خاک سپرده شد. حاج شیخ دو برادر به نامهای آقا شیخ مرتضی و حاج محمدآقا و یک خواهر به نام فاطمه خانم داشت. آقا شیخ مرتضی و حاج محمدآقا هر دو از کسبه قم بودند. آقا شیخ مرتضی

جمادی الثانی سال ۱۳۵۳ در قم درگذشت و در مسجد بالاسر، در محل تدریس حاج شیخ عبدالکریم حایری دفن شد.
 آقا شیخ ابوالقاسم صغیر فرزند محمد کریم نیز از علما و مدرسین و ائمه جماعت قم بود و در ۱۳۵۲ هـ. ق در قم درگذشت. آقای علی دوانی که یکی از شرح حال نویسان حاج شیخ می باشد، معتقد است چون حاج شیخ عناوین و احادیث کتاب «جمال الاسبوع» سید بن طاووس را که شیخ ابوالقاسم کبیر تصحیح کرده و بر آن تقریظ نوشته، ترجمه کرده است، به احتمال زیاد باید استادش همان شیخ ابوالقاسم کبیر باشد. البته دور از احتمال نیست که حاج شیخ از محضر آقا شیخ ابوالقاسم صغیر نیز استفاده کرده باشد. [سبحانی، مفاخر اسلام، ج ۱۱، ۲۴۷]

آنچه مسلم است، حاج شیخ در قم بیشترین استفاده را از محضر حاج آقا احمد طباطبایی و حاج میرزا محمد ارباب قمی برده است.



مرحوم شیخ عباس قمی

آیت الله حاج آقا احمد طباطبایی قمی

او استاد و پدر همسر حاج شیخ و دومین فرزند حاج سید محمود طباطبایی و برادر آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی قمی بود. آیت الله طباطبایی از شاگردان آیت الله حاج میرزا حبیب الله رشتی و آیت الله آخوند خراسانی و آیت الله آقا سید محمد کاظم یزدی در نجف بود و پس از بازگشت به قم از علمای بزرگ آن شهر محسوب می شد. به طوری که سایر علما در اقدام به هر کاری از ایشان کسب تکلیف می کردند و رهنمود می گرفتند. او در ۱۲ شعبان ۱۳۳۴ هـ. ق در ۶۳ سالگی در قم درگذشت و در گلزار شیخان به خاک سپرده شد. [تهرانی، طبقات اعلام الشیعه قرن ۱۴، ۱۲۲-۱۲۱] حاج شیخ در مقدمه فوائد الرضویه از او به عنوان سید اجل، عالم ورع تقی، مولانا حاج آقا احمد قمی - رضوان الله علیه - نام برده است. [قمی، فوائد الرضویه، ج ۱، ۳]

حاج میرزا محمد ارباب قمی

فرزند محمد تقی بیگ مشهور به ارباب، از اجله علما و



آیت الله شیخ محمد ارباب قمی

با دروس قدیم آشنا بود و در مسجد معصومیه قلعه مبارک آباد قم، اقامه جماعت می کرد، او در ۲۵ ماه ربیع الاول سال ۱۳۶۱ بر اثر سکت، در قم درگذشت و در کنار مزار قطب راوندی در صحن حضرت معصومه (س) دفن شد. برادر دوم حاج شیخ، حاج محمد آقا محمدی در میان مردم به خوش عقیدگی، ساده دلی و نیک نفسی شهره بود. او در رمضان سال ۱۳۸۸ در قم درگذشت و در کنار برادرش، نزدیک مزار قطب راوندی دفن شد. خواهر حاج شیخ، فاطمه خانم نیز از زنان صالحه، عابده و متعجده بود. او پس از درگذشت حاج شیخ (۱۳۵۹ هـ. ق) در عاشورای سال ۱۳۶۰ در نجف اشرف درگذشت و در قبرستان وادی السلام دفن شد.

تحصیلات در قم

حاج شیخ دوران کودکی، نوجوانی و اوایل جوانی را در قم گذراند و علوم مقدماتی متداول حوزه های علمیه را در همان جا فراگرفت. او در قم از محضر استادانی چون: آیت الله آقا شیخ ابوالقاسم قمی، آیت الله حاج آقا احمد طباطبایی و آیت الله حاج میرزا محمد ارباب قمی و شیخ محمد حسین قمی استفاده کرد، که در این مقال برای معرفی آنها به خوانندگان به شرح مختصری از احوالشان می پردازیم.

آیت الله آقا شیخ ابوالقاسم قمی

حاج شیخ در اوایل روزگار جوانی، ادبیات را نزد آیت الله آقا شیخ ابوالقاسم قمی فرا گرفت. در آن روزگار، در قم به نام آیت الله آقا شیخ ابوالقاسم قمی دو نفر بودند، که به آقا شیخ ابوالقاسم کبیر و آقا شیخ ابوالقاسم صغیر معروف بودند. حاج شیخ در آثارش مشخص نکرده که استاد وی کدام یک از این دو نفر بوده اند. آقا شیخ ابوالقاسم کبیر قمی، فرزند محمد تقی از اجله علما و مجتهدین و فقهای عصر خود بود. او در یازدهم

حدیث علاقه وافر داشت، ضمن استفاده از محضر این بزرگان، ملازمت محدث بزرگ حاج میرزا حسین نوری را برگزید و توسط آقا شیخ علی قمی زاهد، به محدث نوری معرفی شد و بیشتر از دوستانش (شیخ آقا بزرگ و آقا شیخ علی قمی)، از محضر محدث نوری کسب فیض نمود، و از اندوخته‌های علمی استادش در علوم و فنون گوناگون حداکثر استفاده را برد.

او علاوه بر استفاده از محضر استاد، در استنساخ و مقابله بعضی از تألیفات ایشان، چون: مستدرک الوسائل، کشف الاستار و لؤلؤ و مرجان محدث نوری را یاری داد. حاج شیخ نسبت به این استاد ارادت بسیار می‌ورزید و در بیشتر نوشته‌هایش از ایشان یاد کرده است. او در همه جا، در نجف، کوفه و کربلا شبانه روز از محضر محدث نوری استفاده کرد و ضمن استفاده از محضر پرفیض استاد و استنساخ برای او، از کتابخانه پرمایه و کم نظیر ایشان در عتبات نیز حداکثر استفاده را برد. از جمله آثاری که حاج شیخ در این دوره در کنار استادش به انجام رسانید، تخلص کتاب حلیۃ المتقین علامه مجلسی در سال ۱۳۱۷ ه. ق بود که نام آن را مختصر الابواب گذاشت. و دیگر، تصحیح کتاب اقبال سید بن طاووس بود.

در یک کلام باید گفت، حاج شیخ تحت تأثیر ملکات فاضله و صفات برجسته و علم و فضل سرشار استاد عالی قدرش و شایستگیهای ذاتی خود به مقامات بلندی در علم و عمل رسید. در اینجا، شرح حال استاد بزرگوار را از زبان شاگرد گرانقدرش می‌خوانیم.

محدث نوری، میرزا حسین بن محمد تقی طبرسی پدرش از فقها، علما و صاحبان تصنیف بود. ولادتش در ۱۸

محدثین و حکما و متکلمین بود. تحصیلات خود را در تهران و نجف گذرانید و سپس به قم بازگشت و عهده‌دار امر تدریس و افاضت و منبر و لعامت گردید. او در اواخر عمر، ریاستی بزرگ و مرجعیتی تمام در قم داشت. در ۱۳۴۱ ه. ق در قم درگذشت و در گلزار شیخان به خاک سپرده شد. [شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۱، ۲۴۴-۲۴۳]

حاج شیخ در فوائد الرضویة شرح حال استاد خود را چنین آورده است: محمد بن محمد تقی شیخنا، عالم، فاضل، فقیه، محدث، حکیم متکلم، شاعر، منشی، ادیب اریب و جامع معقول و منقول است. او صاحب اربعین الحسینیه و شرح قصیده لام عمرو سید حمیری و شرح البیان شیخ شهید و تعلیقات و حواشی بسیاری بر کتب می‌باشد. [قمی، فوائد الرضویة، ج ۲، ۶۰۲]

شیخ محمد حسین قمی

از استادان خط حاج شیخ بوده است، اما مشخص نیست که حاج شیخ به چه صورت نزد وی به آموختن خط پرداخته است. آنچه مسلم است، حاج شیخ در انواع خطوط تسلط داشته و در خواندن خط کوفی بسیار متبحر بوده است. [سبحانی، مفاخر اسلام، ج ۱، ۴۵]

حاج شیخ در قم، ضمن تحصیل، اولین اثر خود را تحت عنوان فوائد الرجیة در سال ۱۳۱۵ ه. ق در حالی که ۲۱ ساله بود، تألیف و به خط خود چاپ و منتشر کرد. سپس در همان سال کتاب الدرہ الیتمه فی تتمات الدرۃ الثمینة را که شرح نصاب المصیبان و تتیم شرح نصاب فاضل یزدی است، تألیف کرد. در سال بعد در ۲۳ رمضان سال ۱۳۱۶ کتاب مقالید النجاح را نوشت. آقای علی دوانی در این باره گوید: «این در شرایطی بود که نه تنها در قم آن روز، بلکه در سایر حوزه‌های علمی هم سابقه نداشت طلبه‌ای در آن سن و سال با خط خوش نسخ و نستعلیق تألیف و تصنیفی داشته باشد و کتابی را با خط خود بنویسد و چاپ و منتشر کند» [سبحانی، مفاخر اسلام، ج ۱، ۴۵]

حاج شیخ در سال ۱۳۱۶ ه. ق در حالی که ۲۲ سال داشت، برای ادامه تحصیل عازم نجف اشرف شد، که حوزه علمی نجف در آن روزگار شهرت بسزایی داشت.

تحصیلات در نجف

حاج شیخ در نجف با محقق بزرگ، شیخ آقا بزرگ تهرانی، هم حجه شد و به همراه وی از محضر استادانی چون: آیت الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (د. ۱۳۳۷ ه. ق)، از علما و فقهای بزرگ و رؤسای مطلق حوزه نجف [امینی، معجم رجال نجف، ج ۳، ۱۳۵۸] و میرزا محمد تقی شیرازی (د. ۱۳۳۸ ه. ق)، از اعظام فقها و مجتهدین و از مشاهیر روزگار خود در علم و ورع و تقوا [امینی، معجم رجال نجف، ج ۲، ۷۷۸]، و شیخ الاشریعه اصفهانی (د. ۱۳۳۸ ه. ق)، از مدرسان بزرگ فقه و اصول و معقول و منقول [امینی، معجم رجال نجف، ج ۲، ۷۶۷]، استفاده کرد. اما از آنجایی که به علم

مفاخر اسلام

جلد یازدهم

محدث نامی حاج شیخ عباس قمی
چهره درخشان روحانیت شیعه

(بخش اول: شرح احوال)

علی دوانی

چاپ اول



نشر مرکز اسناد و کتابخانه ملی
۱۳۷۷

دانشمندش شیخ آقا بزرگ گذاشت و نجف را ترک گفت. او در مسیر بازگشت، راهی کربلا شد و در سوم ربیع الاول سال ۱۳۲۲ هـ. ق کتاب ارزشمند هدیه الزائرین را به پایان رساند. در اواخر ربیع الاول، از راه بغداد و خسروی عازم ایران شد و به جهت شیوع بیماری وبا در کرمانشاه، بسختی مریض شد و پس از بهبودی به قم آمد، و یکی از تألیفاتش را در اواخر ماه رجب همان سال، برای استادش شیخ الشریعه اصفهانی به نجف فرستاد. او در مدت اقامت ده ساله در قم در سال ۱۳۲۳ هـ. ق لهوف سید بن طاووس را ترجمه کرده، به خط خود به چاپ رساند و در همان سال و جیزه شیخ بهایی را نیز شرح نمود. سئالی منثور در سال ۱۳۲۴ هـ. ق و شرح کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع) (به عربی) در سال ۱۳۲۸ هـ. ق، از دیگر آثار تألیف شده در این دوره می باشد. حاج شیخ در این مدت چند بار به زیارت عتبات عالیات رفت و در سال ۱۳۲۹ هـ. ق برای بار دوم به حج مشرف شد.

اقامت در مشهد و شهرت منبر محدث قمی
 در سال ۱۳۳۱ هـ. ق حاج شیخ بر اثر تألمات روحی، به قصد زیارت امام رضا (ع) به مشهد رفت و به اصرار آیت الله حاج آقا



اجازه‌روایی از محدث قمی که به خط شریف ایشان می باشد.



آیت الله شیخ علی زاهد قمی

حسین قمی طباطبایی بزرگ، در آنجا ساکن شد و پس از مدتی با برادر زاده آیت الله قمی؛ یعنی با دختر استاد سابقش حاج آقا احمد طباطبایی قمی ازدواج کرد.

ایامی که حاج شیخ در مشهد سکنی گزید، مقارن بود با درخشش حوزه علمی مشهد به سبب حضور استادان بزرگی چون: آقا بزرگ حکیم شهیدی (استاد حکمت و معقول)، آیت الله آقا میرزا محمد آیت الله زاده خراسانی (استاد اصول و فرزند آخوند خراسانی)، آیت الله حاج آقا حسین قمی و حاج شیخ مرتضی آشتیانی (استادان فقه) و میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری (استاد

ماه شوال سال ۱۲۵۴ هـ. ق در قریه یالو، از قرای نور مازندران، واقع شد. او در تهران در محضر عالم فقیه، حاج شیخ عبدالرحیم بروجردی، که بعداً پدر همسر وی گردید، تلمذ کرد. در ۱۲۷۸ هـ. ق به عراق هجرت کرد و از حوزه درس شیخ العراقین، آقا شیخ عبدالحسین تهرانی، بهره مند شد. او همچنین در نجف در مجلس درس شیخ اعظم حاج شیخ مرتضی انصاری حاضر شد. در زمانی که میرزای بزرگ شیرازی در سامرا رحل افکنده بود، محدث نوری نیز چندی در سامرا اقامت نمود و در سال ۱۳۱۴ هـ. ق به نجف بازگشت و تا پایان عمر در آنجا متوطن بود. او در شب چهارشنبه ۲۷ جمادی الآخر از دنیا رحلت نمود. شیخ آقا بزرگ تهرانی و شیخ علی قمی و ملا محمد تقی قمی نیز از شاگردان بنام وی می باشند.

از جمله آثار وی است: مستدرک الوسائل و مستطاب المسائل، النجم الثاقب در احوال امام زمان (عج)، کشف الأستار، لؤلؤ و مرجان و نفس الرحمن فی فضائل سلمان اقمی، تحفة الاحباب. ۷۳ - [۷۰]

حاج شیخ در همین دوره اقامت، در سال ۱۳۱۸ هـ. ق به حج خانه خدا رفت.

بازگشت به قم

درگذشت محدث نوری که برای حاج شیخ همچون پدری مهربان بود، او را بسیار اندوهگین ساخت. از این رو، بعد یک سال ونیم از درگذشت استاد، حاج شیخ قصد بازگشت به ایران کرد و چون امید بازگشت مجدد به نجف داشت، لوازم زندگی و کتابهایش را به تاریخ ۲۳ محرم سال ۱۳۲۲، به امانت نزد دوست



ادبیات).

حوزه مشهد با وجود این استادان بزرگ، با حضور حاج شیخ درخشش دیگری یافت. حاج شیخ گرچه به طور رسمی تدریس نمی‌کرد، اما مدتی برای طلاب برجسته و مستعد درس اخلاق می‌گفت. او همچنین در ایام خاصی چون ماه رمضان و محرم به منبر می‌رفت.

حاج شیخ، علاوه بر اینکه محدثی متتبع و مؤلفی دانشمند بود، خطیبی توانا و به تمام معنی مردمی نیز بود و در منبر نکته‌های اخلاقی را با استناد به احادیث اهل بیت (ع) عنوان می‌کرد. با وجود اینکه تمام وقت او صرف اخبار و احادیث و روایات و تاریخ بود و تمام عمر را در تألیف و تصنیف گذرانده بود، او قبل از رفتن به منبر یکی دو ساعت مطالعه می‌کرد، مبدا مطلبی را اضافه یا کم کند. روش معمول حاج شیخ در منبر بر این اساس بود که ابتدا خطبه‌ای می‌خواند، سپس حدیثی را ذکر می‌کرد و به مناسبت آن حدیثی دیگر و همه را با ذکر سند تا معصوم و گاهی با معرفی اجمالی یا تفصیلی راویان بیان می‌کرد. به مناسبت بحث چندین روایت مقطوع یا مرسل - به اصطلاح فن حدیث - نقل می‌کرد، و بحث را ادامه می‌داد. و اگر می‌خواست تاریخ بگوید، حالات رجال حدیث را بیان می‌کرد و در ضمن حالات آنها مطالبی بیان می‌نمود.

شرح منبر حاج شیخ در اقوال بزرگان

آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی درباره منبر ایشان گوید: «هر طلبه‌ای را کنار منبر او بینم و نشستن او را پای موعظه محدث مشاهده کنم، تا سه روز حاضر تمام نمازهای واجب خود را به او اقتدا کنم، زیرا منابر و مواعظ این مرد در شتونده ایجاد روح عدالت می‌کند» [انصاریان، عرفان اسلامی، ج ۱۲، ۲۶]

از آیت الله نجفی مرعشی نقل کرده اند که گفته است: عجیب بود که حاج شیخ عباس در مدرسه فیضیه در منبر آیه قرآن می‌خواند و مردم زار زار گریه می‌کردند. [سبحانی، مفاخر اسلام، ج ۱۱، ۱۱۱] واعظ و دانشمند مشهور، آقای راشد که در آن ایام جزو طلاب بود، درباره منبر حاج شیخ بارها گفته است: «اثر یک منبر ایشان در آن شبها، تا یک هفته در ما باقی بود. در طول یک هفته، مضامین سخنان آن مرحوم در اعماق دل ما ریشه دوانیده و ما را به خود مشغول داشته بود. به طوری که تا هفته بعد کاملاً تحت تأثیر آن بودیم. سخنان نافذ آن مرحوم چنان بود که تا یک هفته انسان را از تمام سیئات و پندارهای ناروا و گناهان بازمی‌داشت و به خدا و عبادت متوجه می‌کرد». [سبحانی، مفاخر اسلام، ج ۱۱، ۱۰۸]

آیت الله حاج آقا رضا صدر که در ایام نوجوانی شاهد منابر حاج شیخ بوده است، گوید: «او سخنوری دانا و گوینده‌ای توانا بود. هنگامی که بر اریکه منبر جلوس می‌کرد، به طور طبیعی

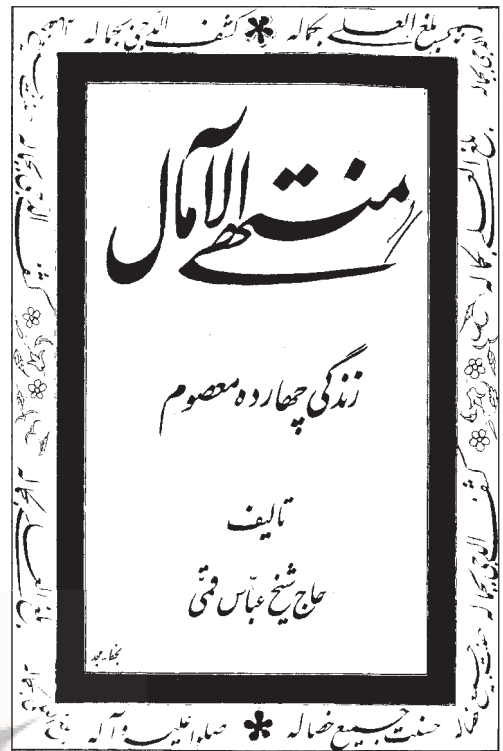
سخن می‌گفت و حاضران را سراپا گوش می‌کرد. موعظه می‌کرد، تاریخ می‌گفت، حدیث تفسیر می‌کرد. ذکر مصیبت از مصائب اهل بیت را اگرچه طبیعی و بدون تکیه به صوت بیان می‌کرد، اما مستمعان را به گریه شدید وامی‌داشت. سخنانش در خودش نیز مؤثر واقع می‌شد و برای حضرتش به مناسبت مطالب، تغییر حال رخ می‌داد». [سبحانی، مفاخر اسلام، ج ۱۱، ۱۰۷ - ۱۰۶]

امامت جماعت

حاج شیخ در مساجدی که دور افتاده یا از نظر افتاده بودند. اقامه جماعت می‌کرد و به محض اینکه جمعیتی در آن جا جمع می‌شد، مسجد را به دیگری تحویل می‌داد. قصد او از اقامه جماعت رو به راه شدن مساجد متروکه و اجتماع مردم در آنجا بود و به همین دلیل مقید بود در مساجدی که متروک مانده اقامه جماعت کند. در ایامی که آیت الله حاج آقا حسین قمی عزم سفر کرد، از حاج شیخ خواست تا به جای ایشان در مسجد گوهرشاد اقامه جماعت کند. حاج شیخ در آن جا به نماز ایستاد، شب اول جمعیت زیاد شد و تا چند شب رو به ازدیاد گذاشت، همین مسئله باعث شد تا وی نماز جماعت را ترک کند و هر چه درخواست کردند، نپذیرفت.

حاج شیخ در مدت اقامت ۲۲ ساله در مشهد، دو سفر دیگر به حج خانه خدا رفت (۱۳۴۱ و ۱۳۴۷ ه. ق) و در طی این ۲۲ سال کتابهایی چون: فوائد الرضویة، مفاتیح الجنان، باقیات الصالحات، دستور العمل، تحفه طوسیة، نفحة قدسیة، منتهی الآمال، تتمه المنتهی، وقایع الایام، طبقات، نفس المهموم، نفثة المصدر و چندین اثر دیگر خود را تألیف کرد. او در تمام مدتی که در مشهد اقامت داشت، ارتباطش را با

شهر خود (قم) قطع نکرد و تقریباً هر ساله ایام زمستان را در قم می‌گذراند. از سال ۱۳۴۰ ه. ق به دعوت آیت الله حائری، در



موضوع را به اطلاع مردم رساند و آنها را به مقاومت در برابر تحمیل مسئله اتحاد شکل و قوای نظامی رضاخان دعوت کرد. همین مسئله منجر به قتل عام مردم در مسجد گوهرشاد شد. آیت الله قمی ۴۰ روز در باغ سراج الملک اقامت داشت و طی این مدت رضاخان از پذیرش وی و گفتگوی با او امتناع کرد و در پایان تکلیف کرد که باید آیت الله قمی به عتبات بروند. با اتفاقی که رخ داد، حاج شیخ پس از تبعید آیت الله قمی به عتبات، به قم رفت و به همراه خانواده اش در اوایل شعبان سال ۱۳۵۴ عازم عتبات شد. او در اول ماه رمضان سال مذکور وارد نجف اشرف شد و در محله «جدیده» منزل حاج محمد علی اشکنانی، که به حاج شیخ علاقه زیادی داشت، اجاره کرد. در این سفر حاج شیخ مدت شش سال در نجف اقامت کرد. در تمام این سالها در دهه اول محرم و ماه رمضان در مسجد هندی به منبر می‌رفت و در روزهای پنج شنبه نیز در منزل دوستش، شیخ آقا بزرگ تهرانی، منبر داشت. منبرهای او در این سالها بیش از پیش او را مشهور خاص و عام کرد. او در ماه محرم تا روز عاشورا منبر می‌رفت و بعد از آن هرچه اصرار می‌کردند قبول نمی‌کرد و می‌گفت بیش از این مزاحم کار نوشتن من است.

حاج شیخ بعد از این سفر، دیگر به ایران نیامد و در طی این سالها چهار بار در ایام تابستان به دعوت حاج معین السادات که مقیم کربلا و مردی با مکتب بود، به بعلبک لبنان رفت و کتاب الکتبی و الانقلاب را در همین ایام در نجف و بعلبک به پایان رساند.

درگذشت

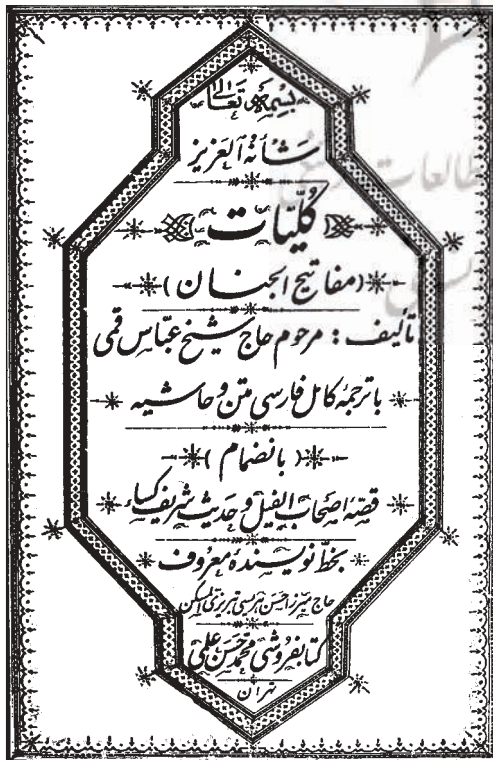
در سال ۱۳۵۹ ه. ق به واسطه درگیری جنگ جهانی دوم و

مجلس روضه او که در دهه دوم ایام فاطمیه در مدرسه فیضیه برگزار می‌شد، شرکت می‌کرد و سعی داشت که مرجعیت آیت الله حائری را با منبرهایش در فیضیه ترویج کند و این را وظیفه خود می‌دانست تا جایگاه آن مرجع عالی قدر را بشناساند. او همچنین از جمله علمایی بود که با وجود قانون لباس متحدالشکل رضاخانی و با توجه به سختگیریهایی که در پوشیدن لباس روحانیت می‌شد، از طرف حکومت به تاریخ ۶ جمادی الثانی سال ۱۳۴۸ برابر با ۱۸ آبان سال ۱۳۰۸ مجاز به پوشیدن لباس گردید.

حادثه مسجد گوهرشاد و اقامت مجدد در نجف

از مهمترین حوادث زمان اقامت حاج شیخ در مشهد، ماجرای مسجد گوهرشاد و تبعید آیت الله قمی (۱۳۵۴ ه. ق / ۱۳۱۴ ه. ش) از ایران به عتبات بود.

همزمان با اجرای دستور رضاخان برای کشف حجاب و متحدالشکل شدن لباس در مشهد، علما و فقهای آن شهر از آیت الله قمی مجتهد بزرگ وقت، خواستند که شخصاً از مشهد به تهران بیاید و رضاخان را ملاقات کند و از آن اقدام خطرناک او را منصرف سازد، تا از پیشامدهای خطرناک بعدی جلوگیری شود. آیت الله قمی به این منظور وارد تهران شد و در باغ سراج الملک در شهر ری اقامت کرد. چند روز بعد از اقامت ایشان باغ سراج الملک توسط نیروی انتظامی رضاخان محاصره شد. انتشار خبر محاصره منزل آیت الله قمی و بی‌اعتنایی رضاخان نسبت به او، علما را تحریک کرد و در مشهد بهلول واعظ به منبر رفت و



خلیج فارس و سوریه و لبنان و هندوستان و دیگر مناطق شیعه نشین آن روز، او را به عنوان محدثی متبوع و مؤلفی بزرگ می‌شناختند. لذا بسیاری از علمای نامی روزگارش از وی اجازه روایت داشتند. از جمله: آیت الله حاج آقا حسین طباطبایی قمی، آیت الله سید صدرالدین صدر، آیت الله سید عبدالهادی شیرازی، علامه سردار کابلی، آیت الله سید محمد هادی میلانی، آیت الله میرزا مهدی شیرازی، امام خمینی، آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی، آیت الله آخوند ملاعلی معصومی همدانی، آیت الله شیخ محمد علی اراکی، آیت الله سید صدرالدین جزایری، آیت الله سید مصطفی خوانساری، آیت الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی، آیت الله آقا شیخ هاشم قزوینی، آیت الله سید محمود طالقانی، آیت الله حاج آقا بهاء الدینی قمی، آیت الله حاج آقا باقر طباطبایی سلطانی، آیت الله حاج شیخ مهدی الهی قمشه‌ای، آیت الله آقا سید حسین بدلا، آیت الله سید هادی خسروشاهی، آیت الله شیخ علی اکبر مروج الاسلام خراسانی و آیت الله حاج ملاعلی واعظ خیابانی تبریزی. حاج شیخ قبل از تقریر اجازه اول وضو می‌گرفت، سپس دو رکعت نماز می‌خواند و در همان حالتی که رو به قبله نشسته بود، اجازه نقل روایت را مرقوم می‌فرمود. طبق آنچه از اجازه‌های ایشان باقی مانده است، در ضمن اجازه دادن، حدیث معروف «مثل اهل بیتی...» را با سلسله سند از استادش علامه نوری تا حضرت رسول (ص) نقل می‌کرد و اجازه را به آن متبرک می‌نمود. از جمله احادیثی که با اجازه از حاج شیخ نقل شده، حدیثی درباره جهاد نفس است که امام خمینی در کتاب اربعین خود، به عنوان اولین حدیث با سلسله سند و با اجازه از استادش نقل کرده و از حاج شیخ به عنوان دومین استادش نام برده است. [امام خمینی، اربعین حدیث، ۳۴ - ۱]

تیرگی روابط عراق و سوریه حاج شیخ طبق سنوات گذشته نتوانست در ایام تابستان به شهر بعلبک لبنان برود و ناگزیر در هوای گرم نجف به سر برد. شدت گرما ایشان را بیمار کرد و پس از مدتها بستری شدن در شب سه شنبه ۲۳ ذی الحجه سال ۱۳۵۹ ه. ق در اوایل شب به جهان باقی رجعت کرد.

خبر درگذشت حاج شیخ عباس قمی با آن شهرت و انبوه کتابهایش، بویژه با کتاب مفاتیح الجنان که همچون قرآن کریم بین مرد و زن و پیر و جوان و علما و مجتهدین دست به دست می‌گشت و در خانه بیشتر شیعیان موجود بود، و با منبرها و مواعظی که خاص و عام مردم نجف و ایران از او به یاد داشتند، همگان را غرق ماتم و اندوه کرد. تا جایی که وقتی خبر به علامه امینی، صاحب الغدیر رسید، از شدت تأثر عمایه اش را بر زمین زد، کاری که راجع به درگذشت هیچ یک از بزرگان علما از وی دیده نشده بود. در روز تشییع پیکر وی، بازار بزرگ نجف و حوزه علمیه و تمام مساجد تعطیل شد. پس از تشییع باشکوه پیکر او تا صحن امیرمؤمنان (ع)، آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی، مرجع تقلید عصر، با انبوه علما و طلاب و عموم مردم از عرب و عجم بر پیکر ایشان نماز گزاردند، و به خواسته فرزندشان مرحوم حاج میرزا علی محدث زاده، پیکر ایشان در کنار مرقد استادشان حاج میرزا حسین نوری، در ایوان مقبره سوم دفن شد. عنوان سنگ نوشته مزار وی و استادش عبارت است از: «خاتم المحدثین حاج شیخ عباس قمی»، «خاتم المجتهدین حاج میرزا حسین نوری».

تا حدود چهل روز در مساجد مختلف نجف، مجالس ختم برای ایشان برگزار شد. به طوری که صاحب اعیان الشیعه گزارش می‌دهد: «برای او سه مجلس بزرگداشت در نجف و کربلا و کاظمین برگزار شد» [امین، اعیان الشیعه، ج ۷، ۴۲۵]، که البته این سه مجلس، مهمترین و بزرگترین مجالس بوده است. آیت الله قمی نیز مجلس بزرگ و باشکوهی در کربلا گرفتند. او در تمام مدت عمر به سادگی زیست. از زمان تحصیل در نجف که اتاقی کوچک و محقر را در زیر پله ورودی مدرسه انتخاب کرده بود، تا زمان اقامت در قم، مشهد و نجف که با وجود شهرت و معروفیت در خانه‌ای با دو اتاق محقر و کوچک زندگی می‌کرد، این روش را سرلوحه خود قرار داده بود. یک اتاق محل کار حاج شیخ بود و یک اتاق محل زندگی خانواده و پذیرایی از مهمانان، استغنا، قناعت و عدم شکایت همسر حاج شیخ نیز به این نوع زندگی کمک می‌کرد. به قول فرزند بزرگ حاج شیخ، حاج میرزا علی محدث زاده: «عمده توفیقات پدر ما از وجود این زن بساز بود». [سبحانی، مفاخر اسلام، ج ۱۱، ۸۴]

اجازات حاج شیخ به علما

حاج شیخ عباس محدث قمی، از اوایل جوانی تا اواخر زندگانی در میان علما شناخته شده بود و علمای اعلام حوزه‌های قم، نجف اشرف و مشهد و دیگر شهرهای ایران و عراق و سواحل

هَدِيَّةُ الْأَحْبَابِ
فِي ذِكْرِ الْمَرْوِيِّ وَالْكَوْبَلِيِّ وَالْقَائِمِ الْأَسْتَدِ

تأليف
مرحوم آقا حاج شیخ عباس قمی

المسئول عن الطباعة
المرکز ۳۵۹ قم

کتابخانه صدوق
تهران - بازار سیرای درویش
تلفن ۵۳۶۵۱۳

کتابهای چاپ نشده پدرش را تصحیح، تحشیه، مقابله، چاپ و منتشر کرد، که از آن جمله می‌توان کتابهای فوائد الرضویه، تحفه الاحباب، بیت الاحزان، تتمه المنتهی، کحل البصر، فصل و وصل، الدرالنظیم، و فیض العلام و وقایع الایام را نام برد. حاج میرزا علی در واقعه ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ به همراه حدود ۵۰ تن از علما و روحانیون بازداشت شد و مدتی زندانی بود.

او در شب دوازدهم ماه محرم سال ۱۳۹۶ در تهران درگذشت. آیت الله سید احمد خوانساری بر وی نمازگزارد و پیکرش پس از تشییع باشکوه و کم نظیری در تهران و قم، با حضور تمام مراجع تقلید وقت در گلزار شیخان به خاک سپرده شد.

از مهمترین آثارش کتاب امام صادق(ع) است که در چهار مجلد بزرگ با عناوین زیر به چاپ رسیده است:

۱. زندگانی امام صادق(ع): در احوال، شخصیت، اخلاق و حکمات امام
۲. اصحاب امام صادق(ع): که به عنوان کتاب برگزیده هفته کتاب سال ۱۳۵۷ ش، سیزدهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی، برنده جایزه بهترین کتاب مذهبی شد.

۳. معاصرین امام صادق(ع) (از خلفا و علما)

۴. خویشاوندان امام صادق(ع)

از دیگر آثار او می‌توان به کلام الملوک که برگزیده سخنان ائمه اطهار(ع) است، اشاره کرد.

۲. حاج میرزا محسن محدث زاده

از علمای دینی و ائمه جماعت تهران که در ماه ذی حجه سال ۱۳۴۱ در مشهد به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۴ ه. ق به همراه پدرش به نجف رفت و مقدمات را در محضر پدر و آیت الله آقا سید

۹. در زمینه آداب و عبادات

الفوائد الرجیة

مختصر الاواب

دستور العمل

صحائف النور

۱۰. در زمینه ادعیه:

مفاتیح الجنان

ترجمه مصباح المتبجد شیخ طوسی

ترجمه جمال الاسبوع سیدبن طاووس

الباقیات الصالحات

اللآلی المتثورة

۱۱. در زمینه اخلاق:

المقامات العلیة(مختصر معراج السعاده ملا احمد نراقی)

نزهة النواظر (ترجمه معدن الجواهر کراچی)

۱۲. در زمینه ادبیات و لغت:

الدرة البتیمة در شرح نصاب الصبیان

الدرالنظیم فی لغات القرآن العظیم

فرزندان محدث قمی

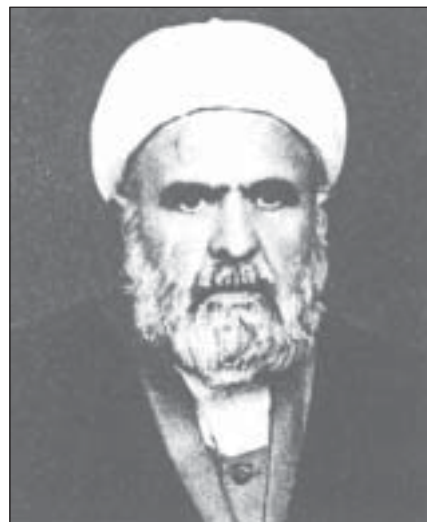
۱. حاج میرزا علی محدث زاده

مکنی به ابوطالب، از علما، خطبا و وعاظ مشهور تهران. در صبح روز دوشنبه ششم ربیع الثانی سال ۱۳۳۸ در قم به دنیا آمد و در مشهد نشو و نما یافت و مقدمات و ادبیات را در آنجا فرا گرفت. در سال ۱۳۵۴ ه. ق به همراه پدر به نجف اشرف رفت و در آنجا سطح فقه و اصول را در محضر آیت الله حاج میرزا باقر زنجان، از مدرسین بنام نجف، تحصیل کرد. در ۱۹ سالگی از علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی اجازه روایت گرفت و یک سال بعد از آن پدرش، حاج شیخ عباس قمی نیز به او اجازه داد.

او در نجف در تصحیح، مقابله و آماده چاپ نمودن سفینه البحار و کتب دیگری همچون الکنی واللقاب با پدرش همکاری کرد. پس از درگذشت پدر، در سال ۱۳۶۰ ه. ق به ایران آمد و در قم، در محضر اساتید به تکمیل تحصیلات خویش پرداخت، و از محضر علمایی چون: آیت الله شیخ علی محمد بروجردی و آیت الله شیخ ابوالحسن مشکینی و آیت الله حاج آقا حسن طباطبایی قمی و آیت الله سید صدرالدین جزایری بهره‌ها برد. اما بیشتر تلاش خویش را - بنابر توصیه پدرش - مصروف اخبار و احادیث می‌نمود. حاج میرزا علی در سال ۱۳۶۷ ه. ق به تهران آمد و به شیوه پدر رشته وعظ و خطابه و تصحیح و تألیف کتب را برگزید. او



مرحوم حاج میرزا علی محدث زاده



حاج میرزا محسن محدث زاده

۴. خانم نجمه قمی

دختر کوچک حاج شیخ که از زنان عابده و وارسته بود. او با حاج سید حسین ماهوتچی قمی ازدواج کرد و در قم سکنی گزید و در هفتم ربیع الاول سال ۱۴۲۳/۳۰ اردیبهشت سال ۱۳۸۱ در قم درگذشت و در گلزار شیخان دفن گردید.

منابع:

۱. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، چاپ اول
۲. همو، طبقات اعلام الشیعه قرن ۱۴، نجف، المطبعه العلمیه و المطبعه الآداب، ۱۳۷۳هـ. ق/۱۹۵۴م و ۱۳۸۱هـ. ق/۱۹۶۲م
۳. اقبال آشتیانی، عباس، «مجله یادگار»، تهران، انتشارات خیام، سال ۵، ۱۳۲۷هـ. ش، شماره های ۸ و ۹
۴. امام خمینی، اربعین حدیث، انتشارات طه، چاپ سوم، عاشورای ۶۸
۵. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶هـ/۱۹۸۴م.
۶. امین، حسن، مستدرکات اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۸هـ. ق/۱۹۸۷م.
۷. امینی، محمدهادی، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف، نجف، چاپ دوم، ۱۴۱۳هـ. ق/۱۹۹۲م.
۸. انصاریان، حسین، عرفان اسلامی، تهران، انتشارات پیام آزادی، چاپ اول، ۱۳۶۸
۹. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۴۷ش
۱۰. دوانی، علی، حاج شیخ عباس قمی مرد تقوا و فضیلت، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۱۱. همو، مفاخر اسلام، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ش
۱۲. خیابانی تبریزی، علی واعظ، علمای معاصرین، تهران، کتابفروشی اسلامی، بی تا
۱۳. ریحان یزدی، علی رضا، آینه دانشوران، با مقدمه و تعلیقات ناصر باقری بیدهندی، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ سوم، مهر ۱۳۷۲ش
۱۴. زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت، دارالعلم الملايين، چاپ چهاردهم، ۱۹۹۹م
۱۵. شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان، تهران، چاپ اسلامی، ۱۳۵۲ش
۱۶. محدث زاده، علی، اصحاب امام صادق(ع)، تهران، کتابخانه مدرسه چهل ستون مسجد جامع، چاپ اول
۱۷. محدث قمی، عباس، تحفه الاحباب فی نوادر آثار الاصحاب، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹هـ. ق
۱۸. همو، فوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه، تهران، کتابخانه مرکزی، دو جلد در یک مجلد، ۱۳۲۷ش
۱۹. همو، الکنی و الالقب، تهران، انتشارات کتابخانه صدر، چاپ پنجم، بهار ۱۳۶۸
۲۰. مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانه الادب، انتشارات خیام، چاپ چهارم، ۱۳۷۴
۲۱. مرسل وند، حسن، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، تهران، انتشارات الهام، چاپ اول ۱۳۶۹
۲۲. مشار، خانبابا، فهرست کتابهای چاپی فارسی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲
۲۳. همو، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، بی جا، ۱۳۴۱ش
۲۴. ناصر الشریعه، محمد حسین، تاریخ قم، با مقدمه و تعلیقات علی دوانی، قم، چاپ حکمت، بی تا

محمود مرعشی فرا گرفت. آنگاه در سطوح از محضر آیت الله حاج میرزا علی آقا فلسفی و دیگر علما استفاده نمود. در سال ۱۳۶۸هـ. ق/۱۳۲۷هـ. ش به قم بازگشت و از حوزه درس آیت الله بروجردی و دیگر علما استفاده نمود.

او در سال ۱۳۷۳هـ. ق از سوی آیت الله بروجردی به امامت مسجد الصادق(مسجد حاج عبدالله صادق تهرانی) واقع در خیابان ۱۷ شهریور منصوب شد، که تا امروز در همین مسجد به انجام وظایف دینی مشغول می باشد.

۳. فاطمه خانم قمی(طباطبایی قمی)مشهور به فخری

ملقب به ست المشایخ از زنان عارفه و عابده که در روز ۱۳ محرم سال ۱۴۱۵ در تهران درگذشت و در گلزار شیخان قم دفن شد. او همسر حاج آقا مصطفی طباطبایی قمی، فرزند آیت الله سیدجواد طباطبایی قمی و نوه آیت الله حاج آقا احمد طباطبایی قمی، از علما و واعظ تهران بود. حاج آقا مصطفی در سال ۱۳۲۴هـ. ق در قم به دنیا آمد. مقدمات را در آنجا فرا گرفت، سپس به همراه پدرش به مشهد رفت و از محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری استفاده نمود. آنگاه سطح فقه و اصول را از علمای بزرگی چون: میرزا علی اکبر نوغانی، آقا شیخ مجتبی قزوینی و پدرش فراگرفت. خارج فقه و اصول را در خدمت آیت الله میرزا محمد آقازاده و آیت الله حاج آقا حسین قمی و معقول را در محضر آقا بزرگ حکیم تحصیل کرد.

پس از تبعید آیت الله قمی به عتبات رفت و در آنجا با دختر بزرگ حاج شیخ(دختر عمه اش) ازدواج کرد. او در سال ۱۳۶۳هـ. ق به ایران آمد و در قم سکنی گزید و به تدریس و وعظ و خطابه اشتغال یافت. از جمله شاگردان او شهید دکتر مفتاح می باشد. حاج آقا مصطفی در سال ۱۳۳۰هـ. ش به تهران آمد و به منبر و موعظه اشتغال یافت. او در سال ۱۳۳۳هـ. ش به امر آیت الله بروجردی عهده دار امامت مسجد امیرالمؤمنین(ع) در مهرآباد شد. وی زاهدی و وارسته، عالمی دانشمند، خطیبی مطلع و متتبع و پیوسته در حال مطالعه بود. در سال ۱۳۶۳هـ. ش در تهران درگذشت و در گلزار شیخان قم دفن شد.